



رصد ارزش‌های اخلاقی در جامعه ایران

در چند دهه اخیر در ایران مباحثی درباره کم‌رنگ شدن اخلاق و ویژگی‌های اخلاقی در کشور به وجود آمده است و برخی از محققین و اندیشمندان بر این باورند که جامعه در مسیر زوال اخلاقی قرار گرفته است؛ گرچه برخی دیگر معتقدند روند کلی زندگی مدرن در تمام جوامع به این سمت رفته است و مشکلات اخلاقی را ناشی از سازمان و ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی قلمداد می‌کنند. از اینرو گزارش رصد ارزش‌های اخلاقی در جامعه ایران (بررسی روند تغییر ارزش‌های اخلاقی در طی چند دهه اخیر) تلاش کرده با بررسی داده‌ها، اطلاعات و نتایج پیمایش‌های ملی به بررسی وضعیت اخلاق در جامعه ایران بپردازد و به این سوال پاسخ دهد که وضعیت اخلاق در جامعه ایرانی با تمام مناقشاتی که درباره اخلاق، تعریف آن و مرزبندی‌های معرفت‌شناختی‌اش وجود دارد؛ چگونه است؟ این گزارش توسط سجاد یاهک و سما کشاورز دیزجینی نوشته شده است.

اصول و ارزش‌های اخلاقی از ملزومات و ضرورت‌های زیستن در جامعه بشری است؛ در واقع اخلاق مسئله پیش‌پا افتاده‌ای نیست که فردی تمایل به رعایت آن داشته باشد و فردی دیگر نه. تمام رفتارهای آدمی درگیر مسائل اخلاقی است، به همین دلیل رفتارهای ناهنجار اجتماعی آثار سوء به همراه دارد و باعث می‌شود گاه‌گاه خسارت‌های جبران‌ناپذیری به جامعه وارد نماید. شاید مرزهای اخلاقی در فرهنگ‌های متفاوت گاهی تفاوت‌هایی داشته باشد؛ اما با این حساب، اکثر موارد اخلاقی و پایه و اساس ارزش‌های اخلاقی در تمام دنیا یکی است.

اخلاق را می‌توان در دو بعد فردی و اجتماعی نگریست. اخلاق فردی، اخلاقی است که فرد خود به هر شکلی که مایل است رفتارش را بدون در نظر گرفتن مصلحت نظام سامان می‌بخشد. اخلاق فردی، دارای اصولی است که صرف‌نظر از حیثیت اجتماعی انسان، به بیان ارزش‌های اخلاقی او می‌پردازد. اگر خاستگاه اخلاق فردی باشد و اخلاق فردی سرلوحه سیاستمداران شود؛ هیچ ضمانتی برای عملی کردن هنجارهای اخلاقی به‌طور گسترده وجود نخواهد داشت و راه حلی برای رفع تشتت ناشی از اختلاف دیدگاه‌های فردی و ملاکی برای تمییز اخلاق‌گرایی از منفعت‌گرایی وجود نخواهد داشت. اخلاق اجتماعی چیزی قطعی و مشخص نیست، یعنی قواعد رفتار همه‌جا همیشه یکسان نیست و نباید باشد، ولی ضرورت قواعدی غیر قابل تغییر در جنبه‌هایی از زندگی انسانی به چشم می‌خورد. مضمون اصلی بیشتر نظام‌های اخلاقی بازتاب نیاز به قواعد بنیادی برای رفتار اجتماعی است که البته این قواعد برحسب شرایط گوناگون تغییر می‌کنند. به‌سادگی می‌توان دریافت که اطاعت قانون از نظر یک فرد چه ضرورتی دارد. اگر چه ممکن است که برای فردی خاص، در شرایطی ویژه، اطاعت از مقررات اجتماعی طاقت‌فرسا باشد، به‌طوری که عضویت در جامعه‌ای هماهنگ این دشواری را جبران می‌کند. البته این دلیل قانع‌کننده به نظر نمی‌آید چون عضویت در جامعه شرطی نیست که به اختیار فرد باشد (مسعودی و ساداتی‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۵).

اخلاق شهروندی یکی از مهم‌ترین مفاهیم و انگاره‌های اجتماعی است که در بازخوانی رابطه فرد و جامعه کارایی دارد. تعاریف متفاوت و متعددی از اخلاق شهروندی ارائه شده است، اما تعبیری مشترک از آن وجود دارد که اجزای اصلی آن، «حقوق و وظایف» است. «اخلاق شهروندی، رابطه فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت‌ها بازنمایی می‌کند». اخلاق شهروندی هر دو اصل فردگرایانه و جمع‌گرایانه را در خود دارد. بدین ترتیب که شهروندی،

از یک سو با اعطای حقوق، فضای لازم را به فرد می‌دهد که فارغ از هرگونه دخالت، منافع خود را دنبال کند، همچنین توانایی فرد را قادر می‌سازد که دستی در شکل دادن به نهادهای حکومتی عمومی را بدست می‌آورد و از سوی دیگر به مسئولیت‌هایی که باید یک فرد برای پایداری جامعه سیاسی و محیط طبیعی‌اش بپذیرد، تاکید می‌کند. بنابراین تنها در این بستر اجتماعی است که روابط انسانی پایدار بوده و حقوق، قابل تحقق است (رحمانی خلیلی، ۱۳۹۶: ۱۴).

در مورد اخلاق و آسیب‌های اجتماعی سه حوزه فکری وجود دارد. به عبارت دیگر، مجموعه مطالعات صاحب‌نظران غربی در مورد اخلاق و آسیب‌های اجتماعی به این سه حوزه قابل تقسیم است:

آسیب‌های اخلاقی بخشی از آسیب‌های اجتماعی هستند. به نظر برخی متفکران، آسیب اخلاقی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی و به نظر برخی دیگر، مهم‌ترین بخش آسیب اجتماعی است. در صورتی که آسیب‌های اجتماعی فهرست‌بندی شوند، آسیب‌های اخلاقی یکی از زیرمجموعه‌های آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. اخلاقی زیستن یا اخلاقی نزیستن چه تاثیری بر کاهش یا افزایش آسیب‌های اجتماعی دارد؟ طبق موازین اخلاقی زندگی کردن، می‌تواند باعث ریشه‌کن شدن یا دست‌کم کاهش آسیب‌های اجتماعی شود. از سوی دیگر، اخلاقی نزیستن و دور از احکام اخلاقی بودن، باعث پیدایی و افزایش آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. بسیاری از تحقیقات روانشناسی اجتماعی و فلسفی نشان داده‌اند زندگی بر پایه احکام اخلاقی و بالعکس، تاثیر مستقیمی بر کاهش یا افزایش آسیب‌های اجتماعی دارد. به طور مثال، اگر شهروندان با صداقت، عدالت، احسان، تواضع و شفقت بیشتری نسبت به هم زندگی کنند، این نوع زندگی اخلاقی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی کشور موثر خواهد بود. تفکر سوم درست برعکس تفکر دوم، برای موضوع تاکید دارد که آسیب‌های اجتماعی بر عدول مردم از اخلاق موثر هستند و خود آن‌ها آستانه اخلاقی زیستن انسان‌ها را کم‌رنگ می‌کنند. به این معنی که هرچه آسیب‌های اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر باشد، موازین اخلاقی زندگی شهروندان مشکل‌تر می‌شود (ملکیان، ۱۳۸۸: ۳۸).

در این گزارش در پی پاسخ به این پرسش هستیم که جامعه ایرانی با تمام مناقشاتی که بر سر اخلاق و تعریف آن و مرزبندی‌های معرفت‌شناختی‌ای که درباره آن وجود دارد، در چه وضعیت اخلاقی به سر می‌برد؟ وضعیت‌های گوناگون اخلاقی به زعم برخی اندیشمندان و پژوهشگران رو به تحلیل و وخامت می‌برد و جامعه دچار مسائل اخلاقی شده است. در این گزارش تلاش می‌شود با بررسی داده‌ها، اطلاعات و نتایج پیمایش‌ها به بررسی این موضوع بپردازیم. با وجود تمام نگرانی‌ها و دغدغه‌های موجود مسئله اساسی این است که تا چه میزان اخلاق در جامعه ایرانی رعایت می‌شود. مسئولان، مدیران و مردم ایران، با وجود طیف مذهبی در جامعه و شعارهای اخلاقی زیادی که به چشم می‌خورد، چه میزان برای حد و حدودهای اخلاقی ارزش قائل هستند و به درستی به آن عمل می‌کنند؟ به همین دلیل ضروری است به سه پرسش اصلی پاسخ داد:

وضعیت اخلاقی ایران در گذر زمان به چه شکل بوده است؟
اخلاق در چه حیطه‌هایی کم‌رنگ‌تر شده است؟
دلایل عدم رعایت اخلاق در جامعه چیست؟

روش

گزارش‌های پایش یا رصد فرهنگی، تصویر کلی و جزئی (حاوی داده‌های آماری ثبتي و سرشماری، پیمایشی،

اسنادی و ...) از حوزه shy&های مختلف فرهنگ به دست می‌دهد؛ این تصویر، بررسی پدیده فرهنگی و شاخص shy&های آن «در طول زمان» است و بنابراین پایش فرهنگی، مبتنی بر «توصیف» داده shy&محور وضعیت پدیده فرهنگی در طول زمان تا امروز است. بازه زمانی استفاده شده در این رصد، از دهه ۵۰ تا به جدیدترین آمار دهه ۹۰ یعنی تا سال ۱۳۹۷ می‌باشد. پژوهش حاضر به روش تحلیل ثانویه انجام می‌شود و واحد تحلیل و مشاهده آن، کشور ایران است و یافته shy&های حاضر از پیمایش‌های ملی صورت گرفته، آمارهای رسمی، و داده‌های پژوهش‌های مرتبط که در حوزه اخلاق وجود دارد، می‌باشد.

تحلیل ثانویه از بررسی shy&های منظم و متاآنالیز مطالعات کیفی متفاوت است که در عوض به جمع shy&آوری و ارزیابی شواهد مربوط به یک نگرانی مشترک یا حوزه فعالیت می‌شود. پردازش shy& تحلیل ثانویه می‌شود. تحلیل ثانویه می‌شود. استفاده از مجموعه داده shy&های کیفی تک و یا چندگانه و همچنین مجموعه داده shy&های کمی و کیفی باشد. علاوه بر این، این روش می‌شود. استفاده از مجموعه داده shy&های خود یا توسط تحلیلگران مستقل با استفاده از مجموعه داده shy&های کیفی که قبلاً ثبت شده است، استفاده شود (Heaton, ۱۹۹۸). مزیت این نوع تحلیل در کم هزینه بودن، وسعت اطلاعات در دسترس، مجموعه داده‌ها در طول زمان، امکان تحلیل بلندمدت است.

وضعیت اخلاقی ایران در گذر زمان به چه شکل بوده است؟

قدیمی‌ترین پیمایشی که تنها به مولفه هماهنگ با پژوهش حاضر داشت مربوط به «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران (۱۳۵۳)» است که در آن از مردم درباره اعتماد پرسیده شده است، پاسخگویان در رابطه با قابل اعتماد بودن مردم، ۵۴ درصد از مردم، مردم را قابل اعتماد تشخیص داده‌اند و ۴۵ درصد نسبت به آدم‌ها بی‌اعتماد هستند. این میزان بیشترین اعتمادی است که مردم نسبت به هم داشته‌اند.

روند وضعیت اخلاقی، به این صورت است که شاید در سال‌های بسیار گذشته، همانند پژوهش بالا، یا در پژوهش محسنی در سال ۱۳۷۴، خوب بوده است. اما نه در تمام حیطه‌ها، با این حال نسبتاً از دیدگاه پاسخگویان بهتر از شرایط حال بوده است. اما هرچه تاریخ به سوی جلو حرکت می‌کند، شرایط اخلاقی بهتر نشده، بلکه یا در درصدی متوسط مانده یا از آنچه بوده است، بدتر شده است. شاید یکی دو سال درمیانه سال‌ها میزان کم و زیاد شدن درصدها (یعنی زیاد بود اخلاق منفی در جامعه و کم بودن اخلاق مثبت) را شاهد باشیم، ولی شرایط تقریباً به صورت یکسان و دنباله‌داری بوده است. اگر بخواهیم میزان جمعیت را هم در نظر بگیریم، باز هم شرایط به همین نحوی است که بیان شده.

وقتی از مردم سوال می‌شود که وضعیت اخلاقی جامعه را چگونه ارزیابی می‌کنید یا در آینده وضعیت اخلاقی بهتر می‌شود یا بدتر، پاسخ می‌دهند شرایط خوب نیست و در آینده بدتر هم می‌شود. در سرمایه اجتماعی (۱۳۹۷)، دیدگاه مردم نسبت به بهتر شدن یا نشدن اوضاع اخلاقی و مذهبی به این شکل است. ۱۱.۸ درصد مردم معتقدند که اوضاع در آینده بهتر می‌شود. ۲۸.۱ درصد گفته‌اند که اوضاع تغییر نمی‌کند و بیشتر مردم با ۶۰.۱ درصد، معتقدند در آینده اوضاع بدتر می‌شود. این درصدها مربوط به جدیدترین پیمایش سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۷ است. در شرایط اقتصادی و اجتماعی حال حاضر، اگر این سوال دوباره از مردم پرسیده شود، گمان اینکه بخواهند شرایط را بدتر ارزیابی کنند وجود دارد.

انفجار جمعیت، مشکلات اقتصادی، سیاسی، قول‌ها و وعده‌ها برای بهتر شدن شرایط مردم را بیشتر از قبل ترغیب می‌کند تا اخلاقیات را زیر پا بگذارند. در سنجش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۵)، پاسخگویان در رابطه با اینکه، چه میزان

امنیت جانی دارند، ۷.۸ درصد پاسخگویان امنیت جانی را خیلی کم، ۲۰/۸ درصد کم، ۴۱/۴ درصد در حد متوسط، ۲۵/۴ درصد زیاد و ۳/۷ درصد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. در سرمایه اجتماعی (۱۳۹۷) نیز در رابطه با احساس امنیت و امنیت جانی داشتن سوال پرسیده شده است. پاسخگویان در رابطه با داشتن احساس امنیت ۳۱.۹ درصد مردم گفته‌اند خیلی کم و کم احساس امنیت دارند. ۳۴.۷ درصد تا حدودی و ۳۳.۵ درصد زیاد و خیلی احساس امنیت دارند. در رابطه با امنیت جانی ۳۳.۷ درصد مردم بیان کرده‌اند کم و خیلی کم احساس امنیت می‌کنند، ۴۱.۱ درصد تا حدودی و ۲۵.۱ درصد زیاد و خیلی زیاد احساس امنیت جانی دارند.

امنیت جانی یکی از عناصر مهم حیاتی است برای آنکه بشر بتواند در جامعه به راحتی زندگی کند. سلب آسایش روانی در کاهش درصد اعتماد افراد نسبت به یکدیگر تاثیرگذار است. با آنکه تکنولوژی با پیشرفت فراوان خود می‌تواند به سرعت اتفاقات در جهان را مخابره کند، نسل بشر هنوز از تمام وقایع ناخوشایندی که به صورت خرد و کلان رخ می‌دهد درس نمی‌گیرد و برای آنکه جامعه را محیطی برای رشد انسانیت کند تلاش نمی‌کند.

جامعه ایران نیز از این مباحث به دور نیست. با آنکه متن جامعه ایران با مباحث اسلامی آمیخته است و آموزه‌های بسیاری برای رعایت اخلاق وجود دارد، جامعه دچار شعار زدگی شده است، بسترهای مناسب برای شکل‌گیری رفتارها و خلیات درست وجود ندارد و روز به روز اخلاق در حال کم‌رنگ‌تر شدن است و شاید بتوان گفت جامعه در حال گذر از یک افول اخلاقی است.

اخلاق در چه حیطه‌هایی کم‌رنگ‌تر شده است؟

آنچه از یافته‌ها مشخص این است که اخلاق در تمام حیطه‌های مربوط به اخلاق همبستگی، ارزش‌های اخلاقی فرهنگی-اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای نسبت سال‌های قبل کم‌رنگ شده است که می‌تواند از خلال این رفتارهای اخلاقی آسیب‌هایی حاصل شود و کل جامعه را با خود درگیر کند.

در بحث اخلاق حرفه‌ای، معلمی در درجه اول و پزشکی در درجه دوم از مشاغل هستند که در طی سالیان متوالی، مردم نسبت به آن بیشترین اعتماد را داشته‌اند و گفته‌اند نسبتاً زیاد وظیفه‌شان را به درستی انجام می‌دهند. این موضوع تنها نکته مثبتی بود که در میان مشاغل وجود داشت. جرایم روز به روز در حال بیشتر شدن است. مردم بدون ابا دروغ می‌گویند، حق و حقوق دیگران را رعایت نمی‌کنند، برای پیشبرد اهداف خود، قوانین را زیر پا می‌گذارند و تقلب می‌کنند به همین دلیل صداقت را سادگی آدم‌ها قلمداد می‌کنند. میزان همبستگی در میان مردم بسیار کم است و مردم علاقه به کمک کردن ندارند.

بحث اخلاق در جامعه ایرانی، بیشتر جنبه فردگرایانه دارد. یعنی زمانی که با افراد جامعه در رابطه با اخلاق صحبت می‌شود، اکثراً بر این موضوع تاکید دارند که اخلاق در جامعه کم‌رنگ شده است، هنجارها نادیده گرفته می‌شود و دیگر مردم باورهای قوی ندارند. اما زمانی که از خود پاسخگویان پرسیده می‌شود که تا چه اندازه به اخلاق پای‌بند هستند، میزان آن را زیاد ارزیابی می‌کند و در گام بعدی و به صورت جزئی‌تر، یعنی وقتی درباره رعایت اخلاق در رابطه با خویشان، خانواده، غریبه‌ها و همسایه‌ها سوال می‌شود، گزینه‌ای پررنگ‌تر است که مربوط به نزدیک‌ترین افراد زندگی‌شان است. انسان‌های دیگر در اولویت‌های بسیار پایین‌تری نسبت به خانواده قرار می‌گیرند. یعنی وقتی به صورت واضح و جداگونه سوال می‌شود برای هر یک از روابط چه میزان در مورد اخلاق گفته شده اهمیت قائل هستید، خانواده همیشه بیشترین درصد اهمیت را دارد و غریبه‌ها درصد پایینی از اهمیت برخوردار هستند. به عنوان مثال اگر ما به اعضای خانواده خود بخواهیم کمک کنیم (مالی یا هرچیز دیگری) راحت‌تر و سریع‌تر این کار را انجام می‌دهیم، اما اگر یکی از اقوام دور ما یا همسایه‌ای از ما کمک بخواهد، شک و تردید بیشتری به خرج می‌دهیم یا تعداد اندکی از افراد این کار را انجام می‌دهند.

در واقع زمانی که مردم از بد بودن شرایط اخلاقی جامعه صحبت می‌کنند، خودشان را جدا از باقی جامعه درست‌کارتر می‌دانند، در صورتی که در مواقع خاص اینگونه عمل نمی‌کنند، یا شاید در بعضی از موازین اخلاقی به درستی عمل کنند. البته نمی‌توان گفت که همه افراد اینگونه هستند، اما اکثر قریب به اتفاق اینگونه عمل می‌کنند.

مک لگان و نل (۱۳۷۷) با این عنوان که «بی‌تفاوتی نوعی تهدید است»، به مساله تمایل افراد به عدم دخالت در امور و پذیرش مسئولیت اشاره کرده‌اند. آبرل معتقد است در هر صورت جامعه برخی شرایط بنیادین وجود دارد که در صورت عدم وجود آن‌ها، جامعه به شدت دچار اختلال خواهد شد؛ یکی از مهم‌ترین این عوامل، این است که جمعیت یک جامعه بی‌تفاوت شود و این برای آن جامعه تهدیدی جدی به‌شمار می‌رود تا آنجا که همه ساختارها را تحت تاثیر قرار خواهد داد (ریترز، ۱۳۷۴، به نقل از تبریزی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰: ۲). ملیون سیمن (۱۹۵۹) می‌نویسد «بیگانگی اجتماعی احساس یا وضعیتی است که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه به اشکال گوناگون: احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، انزوای اجتماعی، تنفر فرهنگی و تنفر از خود را بروز می‌دهد». از دید او «احساس بی‌هنجاری وضعیتی است که طی آن فرد با سطح بالایی از انتظار این را بر خود متصور می‌دارد که نزدیک شدن به اهداف مورد دلخواه، تنها در گرو اعمال و رفتارهایی است که از نظر اجتماعی مقبول و پسندیده نیستند» (سیمن ۱۹۵۹، به نقل از عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

خودخواهی بیش از هر چیز بیانگر میل انسان به برآوردن منافع شخصی خود به هر طریق ممکن است، حتی اگر این امر در تعارض منافع دیگر افراد قرار گیرد. خودخواهی علاقه پرشور و مبالغه‌آمیز (shy­) به خود است که فرد را وامی‌دارد به همه چیز با در نظر داشتن خود فکر کند و خود را به همه ترجیح دهد (کیوستیو، ۱۲۲: ۱۳۸۷). این مسئله بیانگر فردگرایی خودخواهانه در افراد است. این مفهوم را با شاخص shy­‌هایی چون حسابگری به نفع خود فرد، رقابت داشتن با دیگران، به فکر دیگران نبودن و تنها به سود و منفعت خود فکر کردن، تنها به فکر آینده خود بودن، کمک نکردن به دیگران، کسب موفقیت حتی به هزینه دیگران می‌شود (shy­)؛ توان مورد سنجش قرار داد.

فردگرایی خودخواهانه (shy­) خودمدارانه به نوعی از فردگرایی اطلاق می‌شود (shy­)؛ گردد که صرفاً بر تقدم منافع شخصی مبتنی است. این نوع از فردگرایی که همواره به عنوان جنبه shy­‌ی آسیب‌ناختی فردگرایی مورد توجه جامعه (shy­)؛ شناسان کلاسیک از قبیل دورکیم، تونیس و دیگران بوده است، اساساً محل نظم هنجاری جامعه و نظم اجتماعی است. توکویل، «خودخواهی» را در مقابل «فردگرایی» قرار می‌دهد و معتقد است که فردگرایی ممکن است رشد بیمارگونه داشته باشد و به دیگران نیز حمله برده و همه shy­‌ی آنها را نابود کند و سرانجام در خودخواهی، که بذر هر فضیلتی را خشک می‌کند (shy­)؛ مستهلک شود. بنابراین، فردگرایی افراطی را می‌توان همان فردگرایی خودخواهانه نامید. رابرت بلا و همکاران او نیز بیم آن داشتند که فردگرایی ممکن است رشدی سرطانی داشته باشد؛ به همین دلیل بلا، اتریونی، مکینتایر، الشتاین، هوئرواس جنبش فکری-سیاسی «اجتماع shy­‌گرایی» را بنیاد نهادند که هدف آن یافتن تعادلی جدید میان فرد و اجتماع است (ووثوقی و میرزائی، ۱۳۸۷: ۱۳۲). به نظر دورکیم «اگر یک نظام اجتماعی تنها متشکل از «خود»های سراسر منفعت‌طلب (shy­)؛ باشد که فقط به دنبال برآوردن هدف shy­‌ها و امیال شخصی خود، بدون توجه به نتایج اجتماعی عملکردهایشان باشند، آنچه فرو می‌پاشد نظم اجتماعی و پیدایش آسیب‌ناختی (shy­)؛ها و نابهنجاری (shy­)؛های گسترده است. زیرا در جایی که تنها منفعت حاکم است، از آنجا که هیچ مهاری بر خودپرستی (shy­)؛ها و خودخواهی (shy­)؛های موجود در کار نیست، هر منی در برابر من دیگر به حالت آماده shy­‌باش جنگی است و اگر هم در این تخاصم ابدی آتش (shy­)؛ پس در کار باشد، پایدار نخواهد بود» (دورکیم، ۱۳۶۹). فردگرایی خودخواهانه اغلب در فرد اجتماعی shy­‌نشده ظهور می‌کند و در نیازها و امیال این قبیل افراد ریشه دارد. فردگرایی خودخواهانه پیش (shy­)؛ بینی shy­‌پذیری رفتار اجتماعی را کاهش می‌دهد (shy­)؛ زمین را برای تشدید ناهنجاری اجتماعی فراهم می‌کند و نتیجه‌ی آن چیزی جز افزایش هرج و مرج نیست» (چلبی، ۲۸۶: ۱۳۷۵).

دلایل عدم رعایت اخلاق در جامعه چیست؟

اخلاق مسئله‌ای است کاملاً وابسته به باورها و رفتارهای بشری. اخلاق زمانی کمرنگ می‌شود یا به مرور زمان رعایت کردن آن مهم تلقی نمی‌شود که افراد یک جامعه رفته رفته نسبت به باورهایی که داشته‌اند بی‌اعتنا شوند. گاهی ممکن است کسی بخواهد با دور زدن اصول و قواعد رفتاری مسیر کوتاه‌تری برای رسیدن به اهدافش انتخاب کند این عمل به مرور در جامعه رواج پیدا می‌کند و باقی افراد که باورهای محکمی ندارند یا یا زمانی که می‌بینند عرصه بر آن‌ها سخت شده است از آن تبعیت می‌کند. به عنوان مثال دروغگویی برای راه افتادن کار رخدادی است در امروز در جامعه رواج زیادی یافته است و بهانه و توجیهی که برای آن مطرح می‌شود این است که همه برای اینکه کارشان راه بیافتد دروغ می‌گویند. البته این عادت دروغگویی در یک حیطه باقی نمی‌ماند و باعث می‌شود فرد در ساده‌ترین مسائل که حتی نیازی به توجیه دروغگویی ندارد، دروغ بگویند. از خود افراد جامعه اگر سوال شود، در این رابطه می‌گویند، شرایط اقتصادی جامعه بد است، فضای مجازی و مدرنیته باعث می‌شود جامعه رو به انحراف برود. انسانیت در میان افراد کمتر بشود و هرکس به فکر خودش باشد. تمام این عوامل باعث می‌شود تا آدم‌ها رو به سویی روند که زندگی را برای آن‌ها آسان‌تر، جذاب‌تر و بی‌نقص‌تر کند. اما این مباحث توجیه‌های غیرقابل قبولی هستند. لذت‌ها، منافع، خواست‌ها و دیگر مواردی که باعث می‌شود تا افراد دست به خلقیات منفی بزنند یا اخلاق را کمتر رعایت کنند، تنها در اند زمانی با آن‌ها همراه خواهد بود و برای داشتن بیشتر آن باید بیشتر از پیش اخلاقیات را زیرپا بگذارند. این روند روح بشر را تشنه‌تر و خسته‌تر از قبل می‌کند تا جایی که در ورطه عادت و بی‌اخلاقی فرو می‌رود.

پوپر انسان را بدون مسئولیت اخلاقی، حتی یک صدم انسان (درمعنای حقیقی) نیز نمی‌داند (پوپر، ۱۳۷۶: ۱۳۸، به نقل از بختیار نصرآبادی، حیدری و بهروان، ۱۳۹۰: ۱۴۱). پوپر به‌رغم آنکه معتقد است ما نسبت به گذشته، اکنون در دنیای به‌مراتب بهتری زندگی می‌کنیم، اما به‌واسطه «روش بلاهت‌آمیزی» که در تربیت اخلاقی کودکانمان درپیش گرفته‌ایم، در معرض خطر واقع شده‌ایم، پس وظیفه داریم که در این خصوص با اقدامات قاطع به نظام تعلیم و تربیت مسئولانه‌ای دست‌یابیم که اعتلای اخلاق اجتماعی یگانه هدف آن باشد (پوپر، ۱۳۷۶: ۷۹، به نقل از بختیار نصرآبادی، حیدری و بهروان، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

پس می‌توان نتیجه گرفت، درست است که شرایط اخلاقی جامعه روز به روز در حال بدتر شدن است، مدرنیته، شرایط اقتصادی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، جامعه سرمایه‌داری غیره، بستر بیشتری را برای گسترش این اوضاع فراهم می‌آورد، اما باید توجه داشت که تمام این شرایط بدون دخالت انسان‌ها، که بخواهند آن را تایید کنند، یا بگویند حالا که شرایط اینگونه است پس ما هم به همان سیاق عمل می‌کنیم، به تنهایی گسترش نمی‌یابد؛ پس این افراد هستند که با تایید و تکرار آن‌ها، با داشتن باورهایی که استحکام کافی ندارد، باعث می‌شوند شرایط اخلاقی جامعه روز به روز بیشتر شود.